



## Examining the discourse of submission and hope to God in Surah Kahf based on Halidi's role-oriented system



Doi:10.22067/jallv14.i2.2207-1165



Bahrli Rezaei 

PhD in Arabic Language and Literature University of kashan, Iran

Abbas Eghbali <sup>1</sup> 

Professor in Arabic Language and Literature, University of kashan, Iran

Rouhollah Saijadi 

Associate Professor in Arabic Language and Literature, University of kashan, Iran

Received: 8 July 2022 | Received in revised form: 11 August 2022 | Accepted: 3 September 2022

### Abstract

In role-oriented linguistics, the textual meaning of the texts is the product of the connection between the text and the situation in which it is produced. The essential function of this type of view in the Holy Quran is to reveal the hidden angles of meaning in it. This type of view is necessary to prove the hypothesis that the context of the situation presented in the role-oriented system, through the precise determination of the meaning as a basic assumption in understanding, can directly affect the purpose of the verses of the Holy Quran. For example, the position of submission and hope in God in Surah Al-Kahf reveals the different aspects of recommendation from the individual, social and religious aspects. In this research, by taking the descriptive-analytical method by examining the verses of Surah Al-Kahf that mention request and hope in God, it has been tried to explain the relationship between the discourse, the position of these categories and the text, and the relationship between the three layers of the text. A situation (scope, nature, and style of speech) should be processed with the semantic layers of language (ideological, interpersonal, and textual). Among the obtained approaches is that. Compound starters (textual-structural) have the highest frequency in the subjunctive position, which shows the connection of conjunctions with the situation. Repetition in the situational context of submission and hope is manifested in several forms. Also, he observed the use of "rab" with the pronoun "na" and "y" in all three events, i.e. (the story of young men, the event of a challenge, and the story of the owners of the garden). The semantic element of this additional combination is the hope for God's mercy, in which the context of the situation plays an essential role in shaping.

**Key words:** Surah Al-Kahf, role-oriented, Situation, submission and hope.

<sup>1</sup>. Corresponding author. Email: aeghbaly@kashanu.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره چهاردهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۹) تابستان ۱۴۰۱، صص: ۸۸-۱۰۸

## بررسی گفتمان موقعیت تسلیم و امید به خدا در سوره کهف بر اساس نظام نقش‌گرای هلیدی



(پژوهشی)



بهرعلی رضایی<sup>۱</sup> (دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، ایران)  
عباس اقبالی<sup>۱</sup> (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، ایران، نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>  
روح‌الله صیادی‌نژاد<sup>۱</sup> (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان، ایران)

Doi:10.22067/jallv14.i2.2207-1165

### چکیده

در زبان‌شناسی نقش‌گرا معنای بافتی متون، محصول پیوند متن و موقعیتی است که در آن تولید می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این نوع از نگاه در قرآن کریم آشکارسازی زوایای پنهان معنا در آن است. ضرورت این نوع از نگاه در بیان و اثبات این فرضیه است که بافت موقعیت مطرح شده در نظام نقش‌گرا، به واسطه تعیین دقیق معنا به عنوان یک قرینه اساسی در فهم، می‌تواند به طور مستقیم بر معنای آیات قرآن کریم اثر داشته باشد. برای مثال موقعیت تسلیم و امید به خداوند در سوره کهف، آشکارکننده ابعاد مختلف تسلیم از جنبه فردی، اجتماعی و اعتقادی است. در این پژوهش سعی شده است با در پیش گرفتن روش توصیفی - تحلیلی با بررسی آیاتی از سوره کهف که تسلیم و امید به خداوند را مطرح کرده‌اند به تبیین ارتباط گفتمان موقعیت این مقوله‌ها با متن و ارتباط لایه‌های سه‌گانه بافت موقعیتی (گستره، منش و شیوه سخن) با لایه‌های معنایی زبان (فرانقش اندیشگانی و بینافردی و متنی) پرداخته شود. از جمله رهیافت‌های حاصل شده آن است که آغازگرهای مرکب (متنی - ساختاری) در موقعیت تسلیم بیشترین بسامد را دارا هستند که نشان از ارتباط حروف ربط با موقعیت دارد. تکرار در بافت موقعیتی تسلیم و امید به چندین شکل نمود می‌یابد همچنین استعمال «رب» با ضمیر متصل «نا» و «ی» در هر سه رویداد یعنی (داستان جوانمردان، واقعه تحدی و داستان صاحبان باغ) مشاهده نمود. عنصر معنایی این ترکیب اضافی همان امید به رحمت خداوند است که بافت موقعیت در شکل دادن آن نقش اساسی ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سوره کهف، نقش‌گرای، هلیدی، موقعیت، تسلیم و امید.

## ۱. مقدمه

جلوه‌گری بافت در کارکرد کلام در انواع سویه‌ها و گستره‌های زبانی، از جمله موضوعات اساسی و مهمی است که در متن پژوهی‌های معاصر بدان پرداخته شده است. پژوهش در راستای بافت از منبع نظریه بافت‌شناسی و همچنین تفکر سیاقی است و گستره آن از مبحث تطبیق کلام با موقعیت نشأت می‌گیرد. جلوه‌گری این نوع از نگرش به متن و زبان، یعنی پیوند بافت موقعیت و معنا را می‌توان در مکتب زبان‌شناسی معناگرای لندن مشاهده نمود. دیدگاه‌های زبان‌شناسی تا قبل از ظهور مکتب لندن بر باقی ماندن در سطح جمله استوار بود و زبان‌شناسان ساختارگرا در تحلیل‌های ساختاری خود از توضیح معنا ناتوان بودند. این نقطه ضعف؛ زبان‌شناسان را بر آن داشت تا به مطالعه معنا در سطح متن بپردازند. متن یک واحد معنایی است که کارکرد ارتباطی بر آن حاکم است، نه مانند جمله که واحد نحوی بر آن استیلا دارد. هلیدی به عنوان یکی از زبان‌شناسان مکتب لندن «متن را نمونه‌ای از معنای اجتماعی می‌داند که در بافت موقعیت مشخصی قرار گرفته باشد. متن در این تعریف فرآورده محیط و حاصل انتخاب‌های پیاپی از نظام معنایی است» (هلیدی، ۱۳۹۳: ۱۱) بر پایه همین دیدگاه است که هلیدی معیار تشخیص متن از غیر متن را بافت موقعیت دانسته؛ زیرا «متن را واحدی از زبان می‌داند که نقشی در بافت موقعیت داشته باشد. یکپارچگی متن برخاسته از یکپارچگی معنا در بافت است. هلیدی برای تحلیل متن و معنای آن به نقش‌های دستوری توجه می‌کند. بافت موقعیت از دیدگاه هلیدی تمام عوامل برون زبانی است که با متن رابطه دارد. او «زبان را نظامی معنایی می‌داند که برای بیان معنا از آن استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، انسان‌ها متن را برای ساختن معنا و آن هم در ارتباط با هم تولید می‌کنند» (مهاجر ونبوی، ۱۳۹۳: ۴۱) از این رو وی «نظریه خود را براساس معنا پایه‌گذاری می‌کند و از جستجوی معنا در سطح واژگان به جستجوی معنا در سطح متن، روی می‌آورد و شالوده کار خود را بر این قرار می‌دهد که زبان ابزاری برای انتقال معنا میان افراد جامعه است» (Halliday, and Matthiessen, 2004: 25). نوع ایراد سخن و سویه‌هایی مانند موقعیت اجتماعی یا مقتضای حال متکلم و شنونده در بافت سخن شکل می‌گیرند و این ائتلاف به شکل‌گیری مبحث گفتمان می‌انجامد. ساخت گفتمان در نزد زبان‌شناسان مکتب لندن «از رهگذر ترکیب متن، به عنوان ساختی کاملاً زبانی با بافت موقعیت به عنوان ساختی کاملاً غیر زبانی رخ می‌نماید. پیداست که وجود ساخت گفتمان سبب می‌شود که بتوان اثر ادبی را در بافت موقعیت تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و ادبی آن قرار دهیم و آن را در سنجش با کل سرمایه‌های فرهنگی، ادبی یک‌زبان ارزشیابی کنیم» (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۷۷) با توجه به مطلب ذکرشده پیوند متن با بافت، آن را تبدیل به گفتمان می‌کند. گفتمان در این معنا، فرآیند تکوین و درک متن در سطحی و رای واژگان و عناصر دستوری است. از این رو پیروان مکتب زبان‌شناسی لندن دلالتی را برای معنا صحیح می‌دانند که محصول بافت باشد. بر این اساس، بنیان نظریه نقش‌گرای «بر توجه به معانی و نقش‌های زبان و بررسی ساخت آن در ارتباط با عوامل بافتی زبان و معانی بینافردی و اجتماعی استوار است» (راستگو، ۱۳۹۵: ۵۷)

بی‌تردید برای شناخت زوایای پنهان معنا در متن دینی که در قالب داستان برای مخاطب القاء شده باشد؛ می‌طلبد که نگاهی دقیق‌تر به مسأله بافت‌شناسی موقعیت آن داشته باشیم؛ از آنجا که دلالت بافت موقعیت از مهم‌ترین قواعد و قرائنی است که در فهم هر نوع متنی به کار می‌رود، این مهم، پژوهشگر را بر آن داشت تا بر اساس آن به بافت‌شناسی

در سویه تأثیرگذار اجتماعی - اخلاقی تسلیم و امید و جلوه‌های معنایی مختلف آن در داستان جوانمردان غار (جلوه جمعی) و درگیری عقیدتی صاحبان باغ (جلوه اعتقادی) و البته موقعیت رسول خدا در هنگام تحدی با اهل کتاب (جلوه فردی) در ماجرای نزول سوره کهف، پردازد و این مهم ضرورتی است که در این پژوهش بدان اهتمام شده است. در این مقال ضمن معرفی اجمالی نظریات هلیدی درباره نظام نقش‌گرا و ارتباط آن با بافت موقعیت به تطبیق این نظریات در سوره کهف برآمده‌ایم و به دنبال یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشیم:

چگونه بافت موقعیت در گفتمان تسلیم و امید، نشان دهنده انواع جلوه‌های (جمعی، فردی و اعتقادی) یک معنا (تسلیم و امید) است؟

بافت موقعیت چگونه در عناصر زبانی متن در داستان‌های سوره کهف، تجلی می‌یابد؟

### ۱.۱.۱. فرضیه‌های پژوهش

در جریان فرآینش‌ها، انواع موقعیت‌های تسلیم بر عمل و وقوع امری دلالت دارد که با گفتار جوانمردان و نیز گفتار رسول خدا (ص) در جریان تحدی با ادعاهای اهل کتاب و گفتار مرد مؤمن در داستان صاحبان باغ و رفتار آن‌ها منطبق است. جلوه این مطابقت در رفتار و گفتار را در نهایت به شکل رستگاری کنشگران داستان‌ها که می‌توان آن را انتظار قابل پیش‌بینی دانست، مشاهده نمود.

آغازگرهای مرکب (متنی - ساختاری) در موقعیت تسلیم بیشترین بسامد را دارا هستند که نشان از ارتباط حروف ربط با موقعیت دارد. تکرار در بافت موقعیتی تسلیم و امید به چندین شکل نمود می‌یابد که از جمله آن می‌توان استعمال «رب» با ضمیر متصل «نا» و «ی» در هر سه رویداد یعنی (داستان جوانمردان، واقعه تحدی و داستان صاحبان باغ) مشاهده نمود.

### ۲.۱. پیشینه و ضرورت پژوهش

تاکنون آثار تحلیلی بسیاری در حوزه معناشناسی سوره‌های قرآن انجام پذیرفته است که از جمله این موارد می‌توان به تحقیق مصطفی جهرمی (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی آغازگرهای متون داستانی و غیرداستانی قرآن کریم» اشاره کنیم که بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی به این نتیجه می‌رسد که ساخت‌های نحوی قرآن با عوامل فرازبانی پیوند دارد. طاهره ایشانی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» به این نتیجه می‌رسد که این سوره با وجود داشتن تنوع در مضمون، از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است. مریم عزیزخانی (۱۳۹۶) در مقاله «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح» تبلور دستور نقش‌گرا در سوره انشراح را بررسی کرده و به نقش سازنده بافت موقعیت در سوره مورد نظر پرداخته است. ابراهیم فلاح (۱۳۹۷) در جریان مقاله - ای با عنوان «کارکرد فرآینش‌متنی در سوره همزه با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی» پرداخته است. این پژوهش صرفاً به این نتیجه رسید که بسامد آغازگر نشانه‌دار سبب برجسته‌سازی بهتر پیام در جریان انتقال آن به مخاطب می‌شود. که بیشتر این پژوهش‌ها براساس نظریه نقش‌گرای هلیدی به سوره‌ها بوده است؛ اما آنچه مشخص است این است

که، هیچ یک از آثار پژوهشی به صورت کلی و جامع نظریه هلیدی را با توجه به مسئله اساسی بافت موقعیت، بررسی نکرده‌اند و تنها به بخشی از نظریه او اهتمام داشته‌اند.

آنچه در مورد جلوه پسندیده تسلیم در برابر خداوند و امید به درگاهش، در همه حالات فردی، اعتقادی و جمعی آن مشخص است، این است که، راه سعادت بر موازین آن بنیان نهاده شده و چه سعادت نیکوتر از اوج بندگی است که در سه داستان مورد بحث، قهرمانان داستان، بدان نائل آمدند.

در جریان داستان‌های سوره مبارکه کهف بر اساس پیوند معنا با مقوله بافت موقعیت در نظام نقش‌گرای هلیدی تا کنون پژوهشی که، بیانگر نقش بافت موقعیت در رخداد کلامی باشد، صورت نگرفته است. از همین روی می‌طلبد که برای نشان دادن هدفمندی تمامی عناصر زبانی در قرآن، مسائل مربوط به آن به صورت جزئی و مشخص مبتنی بر الگوی بافت‌شناسی پی‌ریزی شود تا این جنبه اعجازی کلام‌الله مجید در شناخت روحيات اعتقادی، فردی و اجتماعی شناخته‌تر شود.

## ۲. مبانی نظری

بافت، مبنایی است که مدرسه زبان‌شناختی لندن در مطالعه معنا بر آن تکیه کرد، که با مالدینوفسکی شروع شد، سپس به فرث و در نهایت به هلیدی ختم شد. در مورد هلیدی، او ایده‌ی بافتی را که معلمش فرث در آن شناور بود را اقتباس کرد و آن را در کنار سایر استانداردها به یک معیار روش‌شناختی در دستور زبان سیستماتیک خود تبدیل کرد. «بافت یک معیار کنترلی است که در آن رابطه بین عبارات زبانی و حقایق غیرزبانی آشکار می‌شود، بنابراین بافت یک‌رشته (رابط) پیوندی بین معانی کارکردی ارائه شده توسط عناصر زبانی و معانی مقامی است که رویداد زبانی را احاطه کرده‌اند» (Kress, 1976:53).

هلیدی بین دو نوع از معانی ساخت زبانی تمایز قائل شد (معنای صوری Formal و معنای بافتی Contextual). معنای صوری یا شکلی عبارت است از رابطه بین یک عنصر و سایر عناصر زبانی یعنی توانایی آن عنصر در همراهی با عناصر زبانی دیگر و تقابل با عناصر دیگر و یا مطابقت با آن‌ها. معنای معنی در این مفهوم بسیار دور از استعمال عادی و معمول آن است. معنی بافتی محصول پیوند متن و موقعیتی است که در آن متجلی می‌شود، یعنی بین یک نظام کاربردی زبان و یک محیط اجتماعی و فرهنگی که در نوع به کارگیری زبان، آن محیطها مسلط است» (نحلة، ۲۰۰۱: ۱۰۴) هلیدی معتقد است که محققان باید به سمت جستجوی معنا در بافت رسمی حرکت کنند از همین رو ابتدا (معنای صوری) را شناسایی کنند و سپس از آن اطمینان حاصل کنند و بعد از آن به (معنای بافتی) برسند. چون کشف دومی منوط به کشف اولی است.

رویکرد نقش‌گرایانه در زبان‌شناسی، گفتمان را عبارت از زبان به هنگام کاربرد می‌داند و به کاربرد زبان توجهی خاص دارد. «در ساده‌ترین مفهوم، واژه «نقش» می‌تواند مترادف واژه «کاربرد» باشد؛ بنابراین وقتی از نقش‌های زبان صحبت می‌کنیم منظورمان نمی‌تواند چیزی بیش از شیوه به کارگیری زبان یا زبان‌ها توسط انسان باشد» (همان: ۷۱) هلیدی سه بافت فرا فرهنگی، بافت فرهنگی و بافت موقعیت را مطرح می‌کند؛ اما بر بافت موقعیت تأکید می‌کند. منظور از بافت

موقعیت، زمینه‌ای است که متن در آن آفریده و فهمیده می‌شود. عوامل سازنده بافت موقعیت سه چیز است: موضوع یا گستره سخن، عاملان سخن (منش سخن) و شیوه بیان.

۱- محدوده (گستره) سخن: موضوع متن اصلی را نشان می‌دهد، نه چیزی که از آن منشعب می‌شود. در واقع این مفهوم «به آنچه روی می‌دهد یا به ماهیت کنش اجتماعی اشاره دارد: آنچه مشارکان به آن می‌پردازند و آنچه زبان در آن فعالیت دارد. در واقع پرداختن به آنچه بخش اساسی و مهم متن به شمار می‌رود.»

۲- نوع مشارکت (منش سخن): این مفهوم بیانگر ماهیت رابطه بین طرفین گفتمان و نقش‌های آن‌ها است: چه نوع روابط نقشی میان مشارکان برقرار است؛ روابط موقتی یا دائمی و به طور کلی، به مجموعه روابط اجتماعی معناداری که در آن شرکت دارند، اشاره می‌کند.

۳- فرم یا شیوه سخن: نشان دهنده نوع یا روش کانال ارتباطی، اعم از نوشتاری یا گفتاری است.

(Halliday and Hasan, 1989: 12)

به عنوان مثال در مکالمات روزانه‌ای که در آن با دیگران شرکت می‌کنیم، مثلاً در اتوبوس، فرودگاه یا در یک کافه و... فرض کنید که وضعیت ارتباطی از دیگری شروع شده است. ما - در این زمینه - می‌توانیم با ساختن الگویی برای بافت معنا در ذهن خود به سرعت با مخاطب ارتباط برقرار کنیم. که مستلزم آن است که ابتدا با توجه به آنچه در جریان است، زمینه را مشخص کنیم، سپس با مشاهده ماهیت رابطه طرفین گفتمان، یعنی بین ما و دیگری، نوع مشارکت را مشخص کنیم و سپس گفتمان مناسب را تعریف کنیم. و این همان فرمولی است برای ایجاد فرآیند ارتباط و تضمین موفقیت آن. در مجموع، این فرآیندها نشان دهنده یک سری پویایی ذهنی متوالی با سریع‌ترین سرعت هستند تا بتوان معانی را که نشان دهنده نقطه مبدأ در ایجاد ارتباطات است، پیش‌بینی کرد.

در رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند، «شیوه بازنمایی عوامل بافت موقعیت در زبان‌های بشری چنین است: در این دستور، معنی‌شناسی یعنی تبدیل بافت موقعیت به مفهوم. با ردگیری نشانه‌های زبانی می‌توان دریافت که در بافت موقعیت چه پیش‌آمده است و بدین گونه شنونده یا خواننده متن خواهد توانست بافت موقعیت را در ذهن خود بازسازی کند.»

(Halliday, and Matthiessen, 2004: 55)

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان توافق و همبستگی بین متن و بافت را در دیدگاه هیلیدی این‌گونه تعبیر کرد که: متن و بافت مکمل و پیش فرض یکدیگر هستند؛ «متن، هم سازنده بافت خود است و هم ضمن آن تولید می‌شود. نویسندگان و گویندگان ضمن متن‌هایی که در موقعیت‌های خاص تولید می‌کنند، بافت‌ها را می‌سازند، تغییر می‌دهند و بازسازی می‌کنند. بافت معنا، نوع و بار محتوایی متن را تعیین می‌کند.» (لاینز، ۱۳۷۶: ۳۶۳) بر پایه همین دیدگاه است که هیلیدی معیار تشخیص متن از غیر متن را بافت موقعیت دانسته؛ زیرا «متن را واحدی از زبان می‌داند که نقشی در بافت موقعیت داشته باشد. یکپارچگی متن برخاسته از یکپارچگی معنا در بافت است. هیلیدی برای تحلیل متن و معنای آن به نقش‌های دستوری توجه می‌کند. به همین سبب است که برتری‌های این نظریه را می‌توان در معنای محور بودن، کارکرد محور بودن و کاربردی بودن آن برای تمام لایه‌های یک متن دانست.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۸) پس بافت موقعیت از دیدگاه هیلیدی تمام عوامل برون زبانی است که با متن رابطه دارد. «هر متن در بافت موقعیتی خاصی به کار می‌رود و

زبان بسته به موقعیت‌های گوناگون، به اشکال متفاوتی به کار می‌رود که در اصطلاح «گونه کاربردی» نامیده می‌شود، به بیان ساده‌تر، در موقعیت‌های مختلف نمی‌توان انتخاب زبانی یکسان داشت. (زینی وند، ۱۳۹۶: ۱۳۲)

### ۳. معنای بافتی و انواع آن در زبانشناسی نقش‌گرا

رویکرد نقش‌گرایانه در زبانشناسی، گفتمان را عبارت از زبان به هنگام کاربرد می‌داند و به بافت کاربرد زبان توجهی خاص دارد. «در ساده‌ترین مفهوم، واژه «نقش» می‌تواند مترادف واژه «کاربرد» باشد؛ بنابراین وقتی از نقش‌های زبان صحبت می‌کنیم منظورمان نمی‌تواند چیزی بیش از شیوه به‌کارگیری زبان یا زبان‌ها توسط انسان باشد» (همان: ۷۱). معنا از نظر هلیدی بر دو قسم است: معنای صوری که در ساختار متنی متجلی می‌شود و معنای بافتی که در شرایط ساختار متنی با زمینه‌های اطراف متجلی می‌شود. پس معنای متنی نمایانگر جنبه انتزاعی فرآیند زبانی است، بنابراین تشخیص آن بر خلاف معنای صوری که نمایانگر جنبه فیزیکی معنا است و یافتن آن نسبت به معنای متنی آسان است. به همین دلیل، هلیدی به دنبال روشن ساختن معنای متنی انتزاعی (فرانقش‌ها) در متون منظوم و منثور بود که عمدتاً سه نوع معنای متنی را از آن‌ها تحلیل و استنباط کرد:

#### ۳.۱. فرانقش تجربی

مهم‌ترین عنصر هر بند در فرانقش تجربی، فرایند است؛ اما وجود افزوده حاشیه‌ای که در بر دارنده اطلاعاتی درباره زمان، مکان، شیوه وقوع و... هر رویداد است - اختیاری است «فرایندها به تناسب نوع و معنایی که دارند، می‌توانند یک، دو و یا سه مشارک داشته باشند. آنان این فرایندها را براساس تعداد مشارکی که بر می‌گیرند، فعل‌های یک ارزشی، دو ارزشی و سه ارزشی می‌نامند». (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۲)

هلیدی و متیسن بر اساس نظام گذرایی، فرایندها را به دو دسته اصلی (مادی<sup>۱</sup>، ذهنی<sup>۲</sup> و رابطه‌ای<sup>۳</sup>) و فرعی (بیانی<sup>۴</sup>، رفتاری<sup>۵</sup> و وجود<sup>۶</sup>) تقسیم می‌کنند:

این نوع از معنا اطلاعاتی در مورد نیات گوینده نسبت به گیرنده در اختیار ما قرار می‌دهد. این مهم در ارتباط با بافت موقعیت ناظر بر موضوع سخن تبیین می‌شود؛ پس فرانقش تجربی محصول موضوع سخن در بافت موقعیت است.

#### ۳.۲. فرانقش بینافردی

فرانقش معنایی به برقراری ارتباط با سایر افراد اشاره دارد؛ لذا نقش زبان در مسأله ارتباط متقابل اجتماعی، می‌تواند معیاری محوری باشد «زبان به برقراری، حفظ، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازد و کنش متقابل بین مردمان را رقم می‌زند؛ بنابراین بخشی از هر متن، بر کنش متقابل میان افراد درگیر در ارتباط، دلالت دارد. مشارکین کنش کلامی، در چارچوب نقش‌های زبانی، باهم ارتباط برقرار می‌کنند و هر یک ایفاگر نقشی می‌شوند، خبری می‌دهند، فرمانی می‌دهند، سؤالی می‌پرسند و ارائه خدماتی را پیش‌بینی می‌کنند. تحقق زبانی این نقش، توسط ساختار وجهی صورت می‌گیرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۱). «شکل‌گیری وجه کلام در گروه عمل عناصری است که "عنصر وجه" خوانده می‌شوند و دو جزء فاعل و عنصر خود ایستای فعل را در بر می‌گیرند. فاعل: یک گروه اسمی یا یک ضمیر شخصی است که به

لحاظ شخص یا شمار، با فعل همخوانی دارد. عنصر خودایستا: عنصری است که گزاره را محدود و متناهی می‌کند و آن را از حالت انتزاعی خارج می‌کند و سه نقش اساسی زمان نمایی، قطبیت<sup>۴</sup> و وجهیت<sup>۵</sup> را نشان می‌دهد». (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۱۶) فرانش بینافردی ناظر بر منش سخن در بافت موقعیت است.

### ۳.۳. فرانش متنی

این فرانش همواره با ساخت متن مرتبط است و برای مخاطب آشکار می‌سازد که چگونه پیام‌ها منتقل می‌گردند و ارتباط میان پیام‌های کنونی با آنچه پیش‌تر ذکر شده چیست؟ هلیدی در رابطه با این فرانش بیان می‌کند: «به وسیله این فرانش زبان می‌تواند مقتضیاتی که از آن انتظار می‌رود را برآورده سازد. از طریق این فرانش است که زبان با خودش و با موقعیت رابطه برقرار می‌کند؛ و گفتمان مجال وجود می‌یابد. زیرا بدین وسیله است که گوینده یا نویسنده می‌تواند متن تولید کند و شنونده یا خواننده متن را دریابد» (Halliday, and Matthiessen, 2004: 55).

در واقع در فرانش متنی «با استفاده از زبان، پیام خود را به شیوه‌ای سازمان‌بندی می‌کنیم تا چگونگی همسازی‌اش با پیام‌های دیگر و بافت‌های بزرگ‌تر ایجاد شود؛ از این رو، زبان میان خود و بافت ارتباط برقرار می‌کند تا به تناسب بافتی که در آن جاری می‌شود و با توجه به ویژگی‌های مترتب بر آن بافت، متن آفرینی کند؛ چراکه متن است که حامل معنا و وسیله انتقال معناست.» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۵)

فرانش متنی شامل دو بخش ساختاری<sup>۹</sup> و غیر ساختاری<sup>۱۰</sup> است.

به نظر می‌رسد آرا و مبانی رویکرد نقش‌گرایی در قالب ارتباط بافت موقعیتی و لایه‌های سه‌گانه زبان، بستر مناسبی برای تحلیل گفتمان متن به دست دهد. جمع‌بندی چگونگی تقسیم و تحلیل فرانش‌ها و ساختارهای دستوری-واژگانی که با آن‌ها نمود می‌یابد و نیز کیفیت پیوند این لایه‌های زبانی - معنایی با سه ویژگی بافت موقعیتی در نظریه هلیدی را می‌توان به‌طور خلاصه در جدول زیر مشاهده کرد:

### جدول ۱-۰

| نظام واژگان دستور |            |                  |                     | بافت موقعیتی       |                      |
|-------------------|------------|------------------|---------------------|--------------------|----------------------|
| مادی              | فرآیند     | ساختار<br>گذرایی | کارکرد<br>اندیشگانی | معنای<br>اندیشگانی | گستره سخن            |
| ذهنی              |            |                  |                     |                    |                      |
| رابطه‌ای          |            |                  |                     |                    |                      |
| رفتاری            |            |                  |                     |                    |                      |
| کلامی             |            |                  |                     |                    |                      |
| وجودی             | عنصر       | ساختار وجه       | کارکرد<br>بینافردی  | معیار<br>بینافردی  | گزارنده (منش)<br>سخن |
| فاعل              |            |                  |                     |                    |                      |
| عنصر خودایستا     |            |                  |                     |                    |                      |
| وجودی             | باقی مانده | فعل واژه         |                     |                    |                      |



|                   |                  |                     |                |               |             |                 |
|-------------------|------------------|---------------------|----------------|---------------|-------------|-----------------|
| متعم              |                  |                     |                |               |             |                 |
| ادات              |                  |                     |                |               |             |                 |
| آغاز              | ساختار<br>آغازگی | عوامل<br>ساختاری    | کارکرد<br>متنی | معنای<br>متنی | شیوه<br>سخن | ارتباط<br>زبانی |
| آویژه (پایان بخش) |                  |                     |                |               |             |                 |
| اطلاع کهنه        | ساختار           |                     |                |               |             |                 |
| اطلاع نو          | اطلاعی           |                     |                |               |             |                 |
| ارجاع             | انسجام           | عوامل<br>غیرساختاری |                |               |             |                 |
| حذف و جایگزینی    |                  |                     |                |               |             |                 |
| ادات ربط          |                  |                     |                |               |             |                 |
| انسجام واژگانی    |                  |                     |                |               |             |                 |

#### ۴. یافته‌های پژوهش (پردازش تحلیلی موضوع)

سوره کهف در دسته سوره‌های مکی قرار دارد و ساخت آن عمدتاً روایی است. روایی بودن این سوره لاجرم رنگ داستانی به آن می‌دهد و این مهم ذهن مخاطب را به قهرمان یا قهرمانان احتمالی داستان سوق می‌دهد. علت پرداختن به این سوره و واکاوی موقعیت تسلیم و امید به خداوند متعال، در نوع بیان آیات آن در بافت موقعیتی است که مشارکان داستان مورد بحث، جز خداوند چه در نظرگاه فردی یا اجتماعی و یا اعتقادی کسی را نداشتند و هر آن احتمال شکست در تفکر اعتقادی‌شان می‌رفت به ناگاه با متوسل شدن به موقعیت تسلیم و امید به خدا، قهرمانان روایت‌های خود شدند. جوانمردانی که از خانه و دیار خود طرد شده‌اند و امیدی جز خدا ندارند. قهرمانان داستان خود در برابر حاکم ظالم شدند. همچنین باغدار مؤمنی که در مقابل فرد متکبر و ثروتمندی که ضعف‌های مادی مؤمن را برمشمارد، قهرمان و پیروز است و رسولی که در مواجهه با مشرکین و احبار یهود، امیدی جز خدا ندارد و به واسطه این امید و تسلیم نزول مجدد وحی در قالب سوره کهف به بار می‌نشیند و ایشان را قهرمان در برابر مشرکان و احبار یهود معرفی می‌کند. اما مضمون غالب سوره‌های مکی در جهت تبیین اصول روشن و مشخصی است که عبارت‌اند از وحی، رسالت، توحید، معاد، حساب و کیفر... اما موضوع سوره کهف تصحیح عقیده، مسئله فکر، ملاحظه و برجسته ساختن معیارهای ارزشی - اجتماعی است که در پرتو آموزه‌های دینی مطرح هستند و بافت سوره حول این موارد می‌چرخد. آنچه مصادیق معنایی ذکر شده را در متن پوشش می‌دهد بافت عاطفی است؛ علت این امر محیط فیزیکی و عاطفی موجود در روایات این سوره است؛ «زیرا میزان قدرت عاطفی همراه با اجرای عملکردی گفتار و آنچه از این قدرت ناشی می‌شود مانند تأکید، اغراق یا اعتدال را منعکس می‌کند» (مختار، ۱۹۸۲: ۷۰). رویکرد ما در این بحث آن است که برخی موقعیت‌ها را که زمینه‌ساز تولید زبان متن گشته و تأثیر آن در شکل‌گیری زبان و سپس معنا را به سنجه آوریم.

ناگفته پیداست که این موضوع به متن‌هایی مرتبط است که شخصیت‌های داستان‌ها تولید می‌کنند، نه با کلماتی که پاره گفته‌های خداوند متعال است. برای نیل به این هدف، برخی از مقام‌هایی را که تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری زبان متن بر ما ظاهر شد، شناسایی کرده‌ایم و آن‌ها را به عنوان نمونه‌هایی از بافت موقعیت (بافت عاطفی) مورد توجه قرار می‌دهیم و آن‌ها را با الگوی بافت و معناشناسی هلیدی تحلیل می‌کنیم. تأکید می‌شود پیوند گفتارهای زبانی با بافت موقعیتی آن‌ها در قالب مطالعات معنایی قرار دارد و قبل از اینکه به بحث مقام‌ها و موقعیت‌های مورد اشاره پرداخته شود باید توجه داشت که آن موقعیت‌ها منشأیی دارند که به ماهیت فرستنده و گیرنده از نظر موقعیت و شناخت روحيات روانی آن‌ها برمی‌گردد.

### ۵. موقعیت تسلیم و امید

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، مکرر درباره امید به خدا و تسلیم در برابر ذات لایتناهی سخن گفته است، بیان سرگذشت انبیاء و بزرگان در قرآن تأیید کننده این واقعیت است. انبیاء و انسان‌های بزرگ در جریان مقابله با حوادث تلخ و مرارت بار زندگی با قرار دادن خود در موقعیت امید به رحمت خداوند و تسلیم ذات مقدس شدن، در واقع نوعی از انسان‌سازی را به انسان آموزش می‌دهند. در سوره مبارکه کهف نیز این موقعیت در داستان‌های آن نمود دارد.

### ۱.۵. موقعیت جوانمردان در مبارزه با حاکم ظالم و اجتماع

در سوره کهف؛ موقعیت امید و تسلیم در جهت غلبه بر اضطراب‌های اجتماعی و فردی در آیات زیر جلوه‌گر است که به شرح آن می‌پردازیم:

(إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا) (آیه: ۱۰)

### جدول ۳-۱

| بند                                    | فرانقش تجربی (فرایند و نوع آن)  | فرانقش بینافردی وجه (فاعل + عنصر خود ایستا)  | فرانقش متنی (مبتدا/ ساخت اطلاعی) و (خبر/ ساخت اطلاعی)   |
|--|---|--|---|
| إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ | أوی: مادی / کنشگر: جوانمردان / هدف: رهایی از ظلم پادشاه و اجتماع بی‌خدا | فاعل: الفتية / عنصر خود ایستا: زمان ماضی، وجه اخباری (قطعیت)، وجهیت: معرفتی. محمول: اوی / متمم: -- / افزوده: وجهی (إذ) و الی الکهف | (مبتدای مرکب) بینافردی + تجربی (إذ + اوی / بی نشان / اطلاع کهنه / اذکر محذوف: اطلاع نو) وحی جدید)) الفتية: به علت تعریف: خبر کهنه: (داستان مشهور در نزد صاحبان کتاب: (احباریهود) - خبر (إلی الکهف) / واژه کهف به واسطه تعریف: اطلاع کهنه) بند بی نشان |

|   |  |   |   |
|---|--|---|---|
| فَقَالُوا رَبَّنَا                        | قالوا: کلامی / گفته:<br>ربنا / گوینده:<br>جوانمردان / گیرنده:<br>خدا | فاعل: (وا) جوانمردان / عنصر ایستا:<br>زمان ماضی، وجه اخباری (قطعیت)،<br>وجهیت: معرفتی. محمول: قول /<br>متمم: ربنا / افزوده: فاء حرف ربط | مبتدای مرکب (متنی ساختاری +<br>تجربی) ف + قالوا / بی‌نشان / اطلاع<br>کهنه - خبر (ربنا / اطلاع کهنه)<br>بی‌نشان          |
| آتَانَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً            | آتانا: مادی /<br>کنشگر: جوانمردان /<br>هدف: رسیدن به<br>رحمت خدا     | فاعل: نا / عنصر ایستا: وجه امری،<br>وجهیت تکلیفی.<br>محمول: اتی / متمم: رحمة / افزوده:<br>من لدنک                                       | مبتدای ساده (بی‌نشان / آتنا / اطلاع<br>کهنه / خبر (من لدنک رحمة / اطلاع<br>نو) بی‌نشان                                  |
| وَهَيَّيْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا<br>رَشَدًا | هَيَّيْ: مادی /<br>کنشگر:<br>جوانمردان / هدف:<br>رسیدن به هدایت      | فاعل: انت / عنصر ایستا: وجه<br>امر، وجهیت تکلیفی.<br>محمول: هیئی / متمم: رشد / افزوده:<br>لنا و من امرنا                                | مبتدای مرکب (متنی ساختاری +<br>تجربی) و + هیئی / بی‌نشان / اطلاع<br>کهنه - خبر (لنا من امرنا رشد /<br>اطلاع نو. بی‌نشان |

هلیدی معتقد است با تغییر موضوع در متن، نوع و میزان فراوانی فرایندها تغییر می‌کند. از آنجا که موضوع یکی از معرف‌های بافت موقعیت است فرانشش تجربی نیز هم‌راستا با موضوع بافتی در حرکت است و معقول است که با تغییر در موضوع سخن در بافت موقعیتی، فرایندها نیز در فرانشش تجربی دچار تغییر گردند. در موقعیت تسلیم و امید که مربوط به بندهای با گرایش دستورالعملی و خبری در سوره کهف است؛ بیشتر از فرایندهای مادی و فرایند بیانی استفاده شده است. بسامد بالای فرایند مادی، نشان‌دهنده کنشی بودن موضوع موقعیت تسلیم و امید است. این مهم باعث افزایش گذرایی متن می‌شود. استفاده از فرایند مادی در کنار فرایند بیانی در موقعیت تسلیم و امید نشانگر آن است که برای بیان جزئیات این موقعیت می‌بایست در کنش و در گفتار مصمم بود. پس جوانمردان هم در گفتار (فقالوا) اظهار تسلیم و امید داشتند و هم در عمل (أوی: پناه برد). ثمره چند فرایند مادی و یک فرایند بیانی، فرایند مادی قابل پیش‌بینی و انتظار (هیی: فراهم ساز) است که هدف از آن هدایت و رستگاری است. اگر مخاطب در آیه اول، خداوند باشد، متکلم جوانانی هستند در بالاترین مراتب خوف و زاری؛ پادشاه ظالم آن‌ها را تحت فشار قرار داده و از نظر روحی و اعتقادی آن‌ها را تهدید کرده است و این مهم در حالی است که هیچ یار و یآوری برای آن جوانمردان نیست. این همان وضعیت سختی است که جوانمردان در آن به سر می‌برند و خطر از همه‌جا بر آن‌ها احاطه دارد و جز خدا هیچ‌کس در نزد آنان نمانده است. لذا آن‌ها رو به سوی خدا تضرع می‌کنند، جوانمردان با فرایند بیانی (فقالوا) برآند که گزارشی از این حالت و وضعیت خود ارائه دهند. حرف "فاء" در کلمه "فقالوا" (آغازگر مرکب) به لحاظ معنایی با توجه به موقعیت جوانمردان حکایت از آن دارد که به محض رسیدن به غار آن‌ها شروع به تضرع و دعا بر درگاه خداوند متعال کردند. آغازگرهای مرکب (متنی - ساختاری) در این آیه و در موقعیت تسلیم بیشترین بسامد را دارا

هستند که این مهم نشان از ارتباط حروف ربط با موقعیت دارد که نمونه‌ای از آن را در «فقالوا» ذکر کردیم. آغازگرهای بی‌نشان نیز دلالت بر این موضوع دارند که متن بر اساس زبان معیار شکل گرفته‌اند تا تسلیم درگاه الهی شدن را برای همگان قابل فهم کند.

جوانمردان با آن موقعیت از طریق دعا «ربنا» به خداوند متصل می‌شوند این تضرع آن‌ها بدون حروف نداست (انسجام) نحوه شکل‌گیری انسجام غیر ساختاری در این قسمت از آیه در واقع نگرش تکمیلی یا جانبی است که درصدد آشکار ساختن ابهام از آیه است. به عبارت دیگر، انسجام غیر ساختاری باعث فراهم آوردن تمام بخش‌های غایب از متن برای مخاطب می‌شود که به تعبیر هلیدی موجب پیوستگی متن به فرامتن می‌شود. آنچه در آیه بر زبان اصحاب کهف هنگام پناه بردن به غار آمده است در واقع (یا ربنا) بوده است که براساس انسجام دستوری با موقعیت حرف ندا (یا) حذف شده است. در "ربنا"ی جوانمردان که در جهت نیل به رحمت خداوندی است از اوج پیوند محکم آنان با ایزد منان حکایت دارد و اضافه شدن ضمیر "نا" در دعا، تقرب آنان به ذات الهی را یادآور می‌شود. آنان خالصانه اظهار می‌کنند که از خود چیزی ندارند؛ لذا خود را به خداوند متصل می‌سازند تا خداوند وزنه‌ای برای ایشان باشد. این همان چیزی است که آن جوانمردان را از بقیه قومشان متمایز می‌کند، زیرا هیچ یک از افراد قوم، خدا را نمی‌پرستیدند، از این رو، «ربنا»، مشتمل بر آرزوی جوانمردان برای نشان دادن تمایز خود در یگانگی خداست و از این رو، مفهوم لدنی در گفتار آن‌ها "من لدنک" (خبر/ اطلاع نو) منعکس کننده اخلاص آن‌ها در توسل به سوی خدا است و اینکه فقط طلب رحمت می‌کنند و چه خوش امنیت و رحمتی است که از جانب خداوند باشد! و همه این‌ها تحت مراقبت و در ذیل حالت و موقعیت ترس و هیجان آن‌ها قرار می‌گیرد. می‌توان تکرار ساختار دعا را، که در واقع از جلوه‌های انسجام متن است، در دو فعل (آتنا و هیی) مشاهده نمود. این دو نمونه مصداق باهم‌آیی است که موقعیت (موقعیت فشار روحی و روانی) یا یافت زبانی زمینه کاربست آن‌ها را فراهم آورده است. هر دو فعل از نیاز مبرم به خداوند بلند مرتبه خبر می‌دهند و گفتار و هدف کنشگران یعنی جوانمردان از آن گفتمان در واقع در جهت معنای اصرار به منتسب شدن به ذات مقدس الهی و تسبیح آن ذات مقدس در آن موقعیت ترس است. آغاز داستان اصحاب غار با فعل ماضی شروع می‌شود، زیرا مقام و موقعیت و همچنین محل روایت، آغازین است، فضای زمانی که روند رویدادهای این داستان را دست‌بندی می‌کند زمان گذشته است و از طریق آن به این نکته رهنمون می‌شویم که داستان اصحاب کهف بر اساس فرانش متن از جمله اطلاعات کهنه است و در نزد صاحبان کتاب این داستان مطرح بوده است و همچنین استعمال فعل ماضی از دید زمان‌نمایی دلالت بر زودن هرگونه شک در ماهیت این داستان دارد؛ چرا که فعل ماضی بر امری دلالت دارد که عمدتاً اتفاق افتاده است و حاصل شده است. همچنین بر اساس موقعیت تسلیم و امید که جوانمردان در آن قرار دارند بسامد بالای فعل امر در قالب دعا شکل می‌گیرد که از سختی شرایط روحی و فشار روانی به خاطر اعتقاد به خداوند حکایت می‌کند؛ فشاری که از جانب اجتماع و حکومت بر جوانمردان تحمیل می‌شود.

## جدول ۲-۳

| انسجام دستوری |                             |  |
|---------------|-----------------------------|--|
| ۱. ارجاع      |                             |  |
| مرجع          | ارجاع                       | نوع ارجاع  |
| اصحاب کهف     | الفتیة<br>فقالوا-ربنا-آتنا  | ارجاع به ماقبل<br>دور(درون متنی)<br><br>ارجاع به ماقبل<br>دور(درون متنی) |
| ربنا          | آتنا(انت)- لدنک<br>هیی(انت) | ارجاع به ماقبل نزدیک   |

فاعل جمله در آیه اول جوانمردان هستند که چندین مرتبه و به شیوه‌های گوناگون تکرار شده است(انسجام غیرساختاری) گاه به صورت صریح(الفتیة) و احاله ضمیر جمع در (فقالوا) و همچنین دو بار به صورت مرجع ضمیر (نا)؛ که این مهم حکایت از این موضوع دارد که فقط جوانمردان در موقعیت و شرایط اجتماعی دست به اصلاح تفکر اجتماع خود زده‌اند و به همین خاطر این جوانمردان از اجتماع کفر اندیش خود متمایز شده‌اند. آنچه در مورد عناصر ارجاعی نشان داده شده در جدول شماره ۲-۳، مشاهده می‌شود این است که عناصر ارجاعی بین ضمیر (واو) جمع و ضمیر (نا) و مرجع تکراری (الفتیة) هستند. همه این ارجاعات اشاره به قهرمانان داستان و عنصر اصلی در داستان یعنی جوانمردان دارد. از جمله ویژگی‌های عناصر ارجاعی تولید شده در آیه ۱۰ تنوع است. در آیه ۱۰ ضمائر بارز از نوع متکلم و غایب است و در آن‌ها اشاره‌ای به مرجع تکراری (الفتیة) می‌یابیم و شاید مقصود از تکرار، یادآوری مخاطب پس از دوری از اولین ذکر آن‌ها در آن باشد، البته به منظور و قصد تأکید بر موقعیت. این تأکید به علت منحصر به فرد بودن جوانمردان در احوالاتشان است.

بررسی بافت موقعیت در آیه ۱۰ - موضوع این جستار - که مربوط به موقعیت تسلیم و امید و دعا و نیایش با خدا است؛ نشان می‌دهد در کلمات «قالوا، ربنا، آتنا، هیی، لنا، أمرنا، رشدا» هشت صدا از صداهای مدی (واو، الالف و یاء) در آیه تکرار (انسجام غیرساختاری) شده است؛ چرا که از لوازم دعا و نیایش با خدا، بسط صدا است و اینکه صدا را به آنچه معنا و موقعیت اقتضا می‌کند طولانی شود تا صدا با معنا و موقعیت تناسب داشته باشد. طولانی ساختن صدا و تکرار صدای مددار در آیه، هم‌راستا با موقعیت دلهره و هیجان جوانمردان است؛ گویا آن‌ها با استفاده از این نوع بیان می‌خواهند با خداوند بیشتر در ارتباط باشند.

## ۲.۵. موقعیت پیامبر(ص) در مبارزه و تحدی با اهل کتاب و کفار

(وَأذْكُرُ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا) (آیه: ۲۴)

## جدول ۳-۳

| بند   | فرانقش تجربی<br>(فرایند و نوع آن)                                     | فرانقش بینافردی وجه (فاعل<br>+عنصر خود ایستا)   | فرانقش متنی (مبتدا/ ساخت اطلاعی) و (خبر/<br>ساخت اطلاعی)   |
|---|---|---|--|
| وَأَذْكَرُ رَبِّكَ  | اذْكَرُ: ذهنی / حسگر:<br>پیامبر(ص)/ پدیده:<br>یاد خدا                 | فاعل: انت / عنصر ایستا: وجه<br>امری، وجهیت تکلیفی<br>محمول: ذکر / متمم: ربک / افزوده:<br>واو عطف                      | مبتدای مرکب (متنی ساختاری+ تجربی) و+<br>اذْكَرُ/ بی نشان / اطلاع نو<br>(جواب شرط) خبر: ربک / اطلاع نو/ بند بی<br>نشان      |
| إِذَا نَسِيتَ   | نسیت: ذهنی /<br>حسگر: پیامبر(ص)/<br>فراموشی پدیده:                    | فاعل: انت / عنصر ایستا: زمان<br>ماضی، وجه اخباری (قطعیت)،<br>وجهیت: معرفتی<br>محمول: نسیت / متمم: ---/<br>افزوده: اذا | مبتدای مرکب (بینافردی وجه نما+ تجربی) إذ+<br>نسیت/ بی نشان / اطلاع کهنه: فعل شرط - خبر<br>(محذوف/ اطلاع نو: واذکر) بی نشان |
| وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ<br>يَهْدِيَنَّا رَبِّي<br>لِلْأَقْرَبِ مِنْ هَذَا<br>رَشْدًا | قل: کلامی<br>گوینده: خدا/ گفته:<br>عَسَىٰ أَنْ ... /گیرنده:<br>پیامبر | فاعل: انت / عنصر ایستا: وجه<br>امری، وجهیت تکلیفی<br>محمول: قال / متمم: مقول قول /<br>افزوده: ربی، من هذا             | مبتدای مرکب (متنی ساختاری+ تجربی) و+<br>قل / بی نشان / اطلاع کهنه خبر: جمله مقول<br>قول / اطلاع نو / بی نشان               |

آنچه از تحلیل جدول شماره (۳-۳) به دست می‌آید نشان دهنده دو فرآیند ذهنی است که به فرآیند کلامی منجر می‌شود. وحی به عنوان یک ماهیت ذهنی مطرح است که در جریان تحدی اهل کتاب با رسول خدا(ص) به مدت پانزده روز منقطع بود ولی با امید و تسلیمی که رسول اکرم (ص) داشت؛ جریان وحی برقرار گشت. نمود این جریان مجدد وحی را می‌توان در فرآیند کلامی «قل» مشاهده نمود. این آیه القائی است از جانب خداوند متعال به رسولش که؛ چگونه مشرکان و یهودیان مکه برای دعوت و مجادله با او گرد آمده بودند و حال و موقعیت پیامبر در میان آنها نیازمند توضیح و بیان نیست؛ چراکه حضرت در میان آنها تنها خدا را داشت. معنای اضافه، بار دیگر با کلمه «ربی» تکرار می‌شود تا اشاره‌ای باشد بر رابطه خدا و رسولش و اینکه خداوند قطعاً از او حمایت خواهد کرد. کلمه «عسی» از حروف مقاربه و دارای معنای امید و طمع (ابن منظور ۱۳۶۳: ۱۱/۱۵) که در موقعیت ادب سخن با خداوند به کار رفته، اشاره‌ای است به امید رسول خدا به یاری و نصرت الهی. معنای لغوی کلمه «عسی» مختص به معنای امید است. این نمونه در بر دارنده گفتمانی از بنده مؤمن به خدا (پیامبر اکرم (ص)) است که آداب خاص خود را دارد که اولین آن این است که بنده، در وهله اول باید عظمت خداوند را احساس کند و سپس چشم به آن بدوزد. قیامت و وحشت از آن و افزون بر آن صفا و گوشه‌نشینی که از بنده (پیامبر) لازم است در این مقام (تسلیم و امید) بسیار مطرح است. لذا معنا از موقعیت رسول خدا بدین صورت شکل می‌گیرد که: «خداوند دلیل و برهان روشنی برای من قرار دهد که راستگو هستم، که از اخبار اصحاب کهف از نظر معنا و هدایت قوی‌تر است». (زمخشری: ۳۸۷/۲). این حالت امیدواری متناسب

با حال و موقعیت رسول خداست که در پی حالت انتظاری که پانزده روز تمام طول کشید و در این مدت هدف تیرهای مشرکان قرار گرفت و مورد آسیب و اذیت قرار گرفته بودند، ولی وحی مجدد و قاطعانه نازل شد. در این فراز از آیه، مفهوم انتظار یاری بر اساس موقعیت قابل پیش‌بینی است که این مهم از جانب خداوند مستجاب شد. شاید بتوان به جرأت گفت که این آیه دقیقاً ترجمان شأن نزول سوره کهف باشد.

قطعاً آمدن جملات مسبوق به امر در وجهیت تکلیفی، اهتمام و تشویق شنوندگان به شنیدن سخن ارائه شده، است. در قرآن کریم با استعمال چشم‌گیر فعل امر مخصوصاً فعل امر (قل) مواجه هستیم و این مهم در آیه مورد بحث، مربوط به اصول و قواعد مهم در جلوه‌گری معانی بافت موقعیت در متن است. همان‌طور که ملاحظه شد دو جمله که با فعل امر آغاز می‌شوند به پیامبر به عنوان کنشگر و مخاطب عنایت داشته است و این مهم ما را به محوریت رسول خدا در وظیفه ابلاغ وحی رهنمون می‌سازد.

در این آیه قضیه غلبه در قول حق تعالی ظاهر می‌شود که بافت موقعیت در ارائه آن نقش محوری دارد و معنای حاصل‌شده نتیجه همگرایی گفتمان با بافت موقعیت است در بند (واذکر ربک إذا نسیت) اصل ترکیب بند در جمله شرطی (اذا نسیت فاذا ذکر ربک) است، این بند با مبتدای مرکب از نوع بینافردی وجه نما است که بیانگر توصیف حالات مخاطب است بر همین اساس، آنچه از مؤمن و به طبع از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انتظار می‌رود؛ این است که ذکر خدا اصل و شرط غالب است و اما فراموشی حالت اضطرار است و لذا اصل و غالب بر اساس موقعیت ارائه شده است.

### ۳. ۵. موقعیت مرد مؤمن در مبارزه با کافر متکبر

(فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا) (آیه: ۴۰)

جدول ۳-۴

| بند  | فرانقش تجربی (فرایند و نوع آن)         | فرانقش بینافردی وجه (فاعل + عنصر خود ایستا)                  | فرانقش متنی (مبتدا/ ساخت اطلاعی) و (خبیر/ ساخت اطلاعی)  |
|--|--|--|---|
| فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ | عسی: رابطه‌ای / حامل: ربی / ویژگی: عطا | فاعل: ربی / عنصر ایستا: وجه التزامی (عدم قطعیت) وجهیت معرفتی | مبتدای مرکب (متنی ساختاری + بینافردی وجه نما+ تجربی) ف + عس + ربی / بی نشان/اطلاع کهنه- خبر: ربی آن یوتین خیرا/ اطلاع نو/بی- نشان |

|  |   |   |                                  |
|--|---|---|----------------------------------|
| مبتدای مرکب (متنی -<br>ساختاری + تجربی)<br>و +یرسل / بی نشان /<br>اطلاع کهنه / خبر:<br>علیها حسابانا / اطلاع<br>نو / بی نشان | فاعل: هو / عنصر ایستا:<br>مضارع، وجه اخباری<br>(قطعیت)، وجهیت<br>معرفتی / محمول: رسل /<br>متمم: حسابانا / افزوده:<br>من السماء. | یُرسل: مادی /<br>کنشگر: خداوند / هدف:<br>عذاب                       | ویرسل علیها حسباناً<br>من السماء |
| مبتدای مرکب (متنی<br>ساختاری + تجربی)<br>ف + تصبیح / نشان دار /<br>اطلاع نو / خبر: صعیدا<br>رلقا / اطلاع نو / بی نشان        | فاعل: ذلک / عنصر<br>ایستا: مضارع، وجه<br>اخباری (قطعیت)،<br>وجهیت معرفتی<br>محمول: صبح / متمم:<br>صعیدا / افزوده: صفت<br>زلقا   | تصبح: رابطه ای /<br>حامل: باغ / ویژگی:<br>صاف و بی گیاه شدن<br>باغ. | فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا      |

در این آیه، امید مختص مؤمنی است که توسط شخص کافر آشکارا مورد اهانت قرار گرفته است. کافر و اندیشه‌هایش مرد مؤمن را به خاطر کمبود مال و نداشتن فرزند ذکور سرزنش می‌کند؛ در این موقعیت فرد مؤمن جز خدا کسی را ندارد که به‌سوی او پناه برد و از او امید و یاری بخواهد. از همین رو همان تعبیر آشنای «ربی» را ذکر می‌کند تا انعکاس دهنده خالص بودن توجه مؤمن به پروردگارش و اعلان به انحصار بندگی خداوند در مقابل شخص کافر باشد. دو فرآیند رابطه‌ای که در (جدول ۳-۴) قابل رؤیت است این مهم یعنی ارتباط با خداوند را به‌روشنی در فرانش تجربی نشان می‌دهد.

در رویکرد کاربردی یا نقشی عبارت اضافه‌ی «ربی» که بر اضافه کردن بار معنایی در مسیر بافت موقعیت دلالت دارد، دو چیز سهیم است که عبارت‌اند از: معنی ترجیحی در حرف «عسی» و «ربی» به عنوان فاعلی که رتبه خود را در ترکیب حفظ کرده است تا با شواهد امیدواری (عسی) مناظره کند و با آن همنشینی (انسجام غیرساختاری) داشته باشد؛ و این همنشینی تلاشی است در راستای آماده سازی گفتمان برای ذکر «أن یؤتینی». این مهم یک منطقه تلاقی در تفسیر معنا بین واژگان، نحو و بافت موقعیت در موضع دفاعی ایجاد کرده است که عبارت در آن تولید شده است، زیرا این عبارت پاسخی به لاف کافر و فخرفروشی او بود و در عین حال امید به خدا و خوش‌بینی به اجابت فرد مؤمن است؛ چنانکه معنایش این است: «اگر فقیرتر از خود را ببینی، از معیشت خداوند انتظار دارم که آنچه را در من است و آنچه را در توست از فقر و غنا تغییر دهد. که برای ایمانم باغی بهتر از باغ تو به من عطا کند و به خاطر کفرت نعمتش را از تو بگیرد و باغت را خراب کند». (زمخشری، ۱۹۸۷: ۳۹۱/۲) بسامد بالای آغازهای مرکب متنی را مجدد در این آیه شاهد هستیم که بر اساس آن ساختارهای متنی در اوج هماهنگی با بافت موقعیت در استعمال حرف «فاء» در دو فعل «عسی و تصبیح» در جریان است. این ساختار متنی سرعت برآورده شدن خواسته‌های فرد مؤمن را برحسب بافت موقعیت، به مخاطب یادآوری می‌کند.



اما تکرار که از مؤلفه‌های انسجام واژگانی است در این آیه به شکل تکرار صداهای صفیری جلوه‌گری می‌کند که این مهم با بافت موقعیت هماهنگ است. مجموعه صداهای صفیری (صاد، سین و زا) از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که آن‌ها را به یک خانواده تبدیل می‌کند که «با ویژگی اصطکاک مشخص می‌شوند و سوت و صدای صفیری به دلیل باریک بودن مخارج آن رخ می‌دهد که هنگام خروج از زبان به کلمه دارای صدای صفیری، ویژگی قدرت می‌دهد». (سلوم، ۱۹۸۳: ۱۸) همچنین این صداها وضوح شنوایی را هم سبب می‌شوند که در آیه مورد بحث این دو ویژگی (قدرت‌نمایی و آشکارا گویی) را در تکرار صداهای صفیری در کلمات (فعسی، ویرسل، حسبانا، السماء، فتصبح، صعیدا، زلقا) شاهد هستیم. موقعیت شکننده و در موضع و موقعیت ضعف انسان مؤمن در مقابله با شخص کافر می‌- طلبید که مؤمن به خداوند قادر و توانمند پناهنده شود و کسی که به ذات الهی متصل شود آشکارا و با قدرت این ارتباط را تکرار می‌کند. از همین روی اصوات صفیری در طلب (فعسی) و در نتیجه (فتصبح صعیدا زلقا) ظاهر شده است.

اما حذف (حذف حروف) و اظهار نقش محوری در انسجام دستوری دارند؛ در دو لفظ (یهدین و یوتین) از آیات مورد بررسی، حذف حرف و در لفظ (ربی) اظهار حرف رخ داده است. حذف یاء متکلم و همچنین اظهار آن در آیه، کاملاً در مسیر و ارتباط مؤثر با بافت موقعیت بوده است. اگرچه ماهیت زبان عربی اجازه حذف ضمیر متکلم (ی) را می‌دهد، با این وجود، نوع خاصی از عملکرد روحی و روانی در پشت این گفتمان محذوف است که خبر از روح مؤمنی می‌دهد که نشانه‌های خضوع را همواره در گفتمانی که ذات خداوند یک طرف آن است؛ نشان می‌دهد. در واژه (یوتین و یهدین) موقعیت مکانی و کلامی فرد مؤمن که در برابر ذات الهی و درخواست از آن ذات مقدس قرار دارد می‌طلبد که از روی احترام «یای متکلم» بر حسب بافت موقعیتی حذف گردد. اما (یا متکلم) با یاد خدا ظاهر می‌- شود (فعسی ربی)؛ چرا که ذکر یا منتصب شدن به درگاه الهی عجین گشته است. پس مؤمن با یاد خدا و اظهار ضمیر متکلم احساس عزت و سرافرازی در برابر شخص کافر می‌کند و در عین حال این اظهار نشان دهنده اظهار ارتباط با خدا است.

آیات و وقایع مربوط به داستان صاحب دو باغ برای هر مؤمن عاقلی که در پی این حوادث است مفهوم انتظار و پیش‌بینی را خلق می‌کند که در پی آن، برای کافر یا سرمایه‌اش اتفاق ناخوشایندی بیفتد. کافر با وجود تذکری که به او داده می‌شود، از کار نادرستش منصرف نمی‌شود؛ لذا به ازای عواقب نافرمانی او، سنت خدا در یک روز محقق می‌شود. پس بامداد، که وقت شگفتی برای کافران است قهر الهی ظاهر می‌شود و مؤمن بر اساس سنت الهی انتظار شگفتی و زمان آن را داشته است.

### نتیجه

بافت موقعیت از دیدگاه هلیدی تمام عوامل برون زبانی است که با متن و معنا ارتباط دارد. نمود عینی این رویکرد را در نظریه کاربردی (نقش‌گرا) وی قابل مشاهده است. در این جستار به پژوهش بافت موقعیت تسلیم و امید در سوره کهف پرداخته شد و نتایج ذیل حاصل شد:

در فرانش تجربی، فرآیند مادی در موقعیت تسلیم بر عمل و وقوع امری دلالت دارد که با گفتار جوانمردان در فرآیند کلامی مطابقت دارد که جلوه این مطابقت را در نهایت به شکل رستگاری جوانمردان می‌توان مشاهده نمود. موقعیت بی‌پناهی جوانمردان در جامعه می‌طلبید که برای رهایی از هجوم افکار و اعتقادات اجتماع به پناهگاهی غیر از اجتماع خود «غار» و صد البته به پناهگاه مستحکم‌تر دیگری به نام «رحمت الهی» پناهنده شوند. این مهم در قالب تضاد که از عناصر غیر ساختاری فرانش متنی است در ائتلاف با بافت موقعیت و شرایط اجتماعی و روحی جوانمردان است، شکل گرفته است.

آغازگرهای مرکب (متنی - ساختاری) در موقعیت تسلیم بیشترین بسامد را دارا هستند که نشان دهنده ارتباط حروف ربط با موقعیت دارد. تنوع انواع آغازگرهای بی‌نشان دلالت بر این موضوع دارد که متن بر اساس زبان معیار شکل گرفته‌اند تا معنای تسلیم درگاه الهی شدن را برای همگان قابل فهم کند. آغاز داستان اصحاب غار با فعل ماضی شروع می‌شود؛ چرا که مقام و محل روایت، آغازین است، فضای زمانی که سیر و رویدادهای این داستان را دست‌بندی می‌کند زمان گذشته است و از طریق آن به این نکته رهنمون می‌شویم که داستان اصحاب کهف بر اساس فرانش متنی از جمله اطلاعات کهنه است و در نزد صاحبان کتاب این داستان مطرح بوده است و همچنین استعمال فعل ماضی از دید زمان‌نمایی دلالت بر زدودن هرگونه شک در ماهیت این داستان دارد؛ چراکه فعل ماضی بر امری دلالت دارد که عمدتاً اتفاق افتاده و حاصل شده است. همچنین بر اساس موقعیت تسلیم و امید بسامد بالای فعل امر را شاهد هستیم که در قالب دعا و یا نشان دادن امری مهم نمود می‌یابد.

در شأن نزول آیه ۲۴ که شأن نزول سوره کهف نیز است می‌توان از طریق فرآیندها بوی وحی را در دو فرآیند ذهنی، که به فرآیند کلامی منجر می‌شود، استشمام کرد. وحی به‌عنوان یک ماهیت ذهنی مطرح است که در جریان تحدی اهل کتاب با رسول خدا به مدت پانزده روز منقطع بود ولی با امید و تسلیمی که رسول خدا داشت؛ مجدداً جریان وحی متصل شد.

تکرار که از مؤلفه‌های انسجام واژگانی است در بافت موقعیتی تسلیم و امید به چندین شکل نمود می‌یابد که از جمله آن می‌توان استعمال «رب» را با ضمیر متصل «نا» و «ی» در هر سه رویداد یعنی (داستان جوانمردان، واقعه تحدی و داستان اصحاب باغ) مشاهده نمود. شاید بتوان گفت عنصر معنایی این ترکیب اضافی همان امید به رحمت خداوند است که بافت موقعیتی در شکل دادن آن نقش اساسی ایفا می‌کند. تکرار آواها و مقوله حذف (نقش محوری در انسجام دستوری) جلوه دیگری از ائتلاف بافت موقعیت با کارکرد کلام در آیات مورد بررسی می‌باشد. باهم آبی و هم‌نشینی واژه‌ها نیز بر اساس موقعیت بافتی در ساختار آیات شکل گرفته است و این مهم هدفمندی چارچوب آیات را تبیین می‌کند.

#### پی‌نوشت

۱. فرایندهای مادی: فرایندهایی است که یا شامل کنش‌های فیزیکی است و یا بیانگر کنش‌های انتزاعی است؛ مشارک اصلی بندهای مادی، انجام دهنده عمل است و با برچسب کنشگر مشخص می‌شود. (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۲۴).

۲. **فرایندهای ذهنی:** این فرایندها آشکار کننده اندیشه، دنیای درونی و دریافت‌های ذهنی فرد است. در این فرایند، همیشه دو مشارک هست یکی که با نام حسگر بر حسب می‌خورد، می‌تواند حس کند؛ بیندیشد و تجربه کسب کند. مشارک دیگر این فرایند، پدیده است که همچون محرک، باعث دریافت حس در حسگر می‌شود. (همان: ۲۵۸)
۳. **فرایندهای رابطه‌ای:** برای نسبت دادن ویژگی‌های و صفت‌ها، شناسایی و دسته‌بندی از فعل‌های ربطی نظیر "است، بود، گشت و گردید" استفاده می‌شود. نقش این فرایندها، ارتباط بین دنیای درون و بیرون است و چگونگی بودن چیزی را بیان می‌کنند. (همان: ۲۵۹)
۴. **فرایندهای بیانی:** حذافصل فرایندهای ذهنی و مادی است. همه فرایندهایی نظیر "پرسیدن، توضیح دادن"، که در آنها به نوعی مفهوم "گفتن" نهفته است، فرایند بیانی به شمار می‌رود. گوینده، مشارکی است که در هر فرایند بیانی دخیل، و معمولاً انسان است. (تامپسون، ۲۰۱۴: ۱۰۸)
۵. **فرایندهای رفتاری:** در مرز میان فرایندهای ذهنی و مادی قرار دارد. هلیدی بر این عقیده است که این فرایندها، افعالی هستند که به رفتار فیزیولوژیکی و روانشناختی انسان مربوط است؛ تنها مشارک این فرایند، رفتارگر است؛ یعنی کسی که از او رفتاری سر می‌زند. (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۱)
۶. **فرایندهای وجودی:** این فرایندها در حد فاصل فرایندهای رابطه‌ای و مادی قرار دارد و گاه با فعل‌های که به معنای "وجود داشتن" ظاهر می‌شود. تنها مشارک این فرایند، موجود است. (همان: ۳۰۸)
۷. **قطبیت:** به معنای تقابل میان مثبت و منفی است. معمولاً گزاره مثبت از نظر شکل، بدون علامت است؛ در حالی که گزاره منفی، از تعداد عنصر اضافی فهمیده می‌شود؛ مثل not در انگلیسی. (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۴۳)
۸. **وجهیت:** یک مقوله معنایی است که نگرش گوینده نسبت به گزاره را، بیان می‌کند و از نظر هلیدی به دو دسته معرفتی و تکلیفی تقسیم می‌شود. در این مجال از تقسیم بندی که "الریحانی" نسبت به وجه در زبان عربی انجام داده، استفاده می‌شود. او «وجه را به چهار دسته اخباری و التزامی، امری، تأکیدی تقسیم می‌کند. ۱. افعالی که مرفوع باشند، خواه ماضی و خواه مستقبل، دارای وجه اخباری هستند زیرا حالت گوینده در حالت خبر را، نشان می‌دهند. ۲. افعالی که دارای حروف ناصبه باشند و همچنین جملات شرطیه و افعالی چون تمنی و ترجی، که بر عدم قطعیت دلالت دارند، دارای وجه التزامی هستند. ۳. افعالی که بر طلب یا نهی، خواست، خواهش، دلالت دارند، دارای وجه امری هستند. ۴. افعالی که دارای "لام" تاکید یا "لام" امر غائب و "لام" امر متکلم باشند، دارای وجه تأکیدی هستند.» (الریحانی، ۱۹۹۸: ۲۹۰) از آنجایی که وجه اخباری، بر قطعیت دلالت می‌کند و وجه التزامی بیانگر عدم قطعیت است؛ لذا هر دو نمایانگر وجهیت معرفتی هستند و وجه تأکیدی و امری، بیانگر وجهیت تکلیفی هستند.
۹. **ساخت مبتدا - خبری:** به معنای آن است که «دو نقش مبتدا (Theme) و خبر (Rheme) وجود دارد که باهم، نظام مبتدا - خبری را تشکیل می‌دهند. این نظام از ساختار بند سخن می‌گوید و به آرایش و چینش کلمه‌ها و عبارت‌ها در بند توجه می‌کند.» (هالیدی، ۲۰۰۴: ۹۳) معنای متنی، عبارت است از ساختار آغازین (مبتدایی) که نخستین سازه‌ی بند به شمار می‌رود. البته به شرطی می‌تواند آغازگر باشد که نقشی در ساخت تجربی بند داشته باشد. (ر.ک: هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۶) مبتدا را می‌توان از نظر تعداد سازه‌هایش نیز دسته بندی کرد در این نوع از تقسیم دو نوع مبتدا داریم «مبتدای ساده و مبتدای مرکب که به دو گروه نشان دار و بی نشان تقسیم می‌شوند. مبتدای ساده: فقط دارای یک سازه

می‌باشد اما مبتدای مرکب، بیشتر از یک سازه دارد. نشان داری و بی‌نشانی مفاهیمی هستند که به معنا و گزینش آن مرتبط می‌باشند». (همان: ۷۳)

ساخت اطلاع: ساختار اطلاع متشکل از دو عنصر اطلاع نو (New) و اطلاع کهنه (Given) است؛ اطلاع کهنه بر آن بخشی از واحد اطلاعاتی اطلاق می‌شود که پیش از آنکه در گزاره بیان شود به نحوی از انحاء، همچون بافت موقعیتی یا بافت متنی بر مخاطب آشکار بوده است. این در حالی است که اطلاع نو بر بخشی از واحدهای اطلاعاتی اطلاق می‌شود که پیش از عرضه آن در گزاره، مخاطب نسبت به آن اطلاعی نداشته است». (رک: هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۸۹) ساخت اطلاع، ساختی مخاطب محور است؛ زیرا این مخاطب است که معین می‌کند؛ کدام یک از اطلاعات نزد او کهنه و کدام یک برای او نو است. از دید هلیدی، هر زمان که مبتدا، اطلاع کهنه و خبر، اطلاع نو باشد، بند، بندی بی‌نشان است؛ لیکن آن‌هنگام که عکس این قضیه اتفاق بیفتد، بند نشاندار می‌شود. علاوه بر تقدیم و تأخیر (تقدیم، اطلاع نو، تأخیر، اطلاع کهنه)، وجود پارامترهایی چون اسامی معرفه و نکره (معرفه، اطلاع کهنه و نکره، اطلاع نو و ناشناخته)، اسلوب شرط (فعل شرط، اطلاع کهنه و جواب شرط، اطلاع نو)، مرجع ضمیر (مرجع ضمیر، اطلاع کهنه و ضمیر، اطلاع نو) تکرار (ذکر کلمه اول، اطلاع نو و تکرار کلمه اول، اطلاع کهنه)، افعال ماضی (اطلاع کهنه) و... در مشخص کردن اطلاع کهنه و نو، به ما کمک می‌کنند.

۱۰. انسجام (عنصر غیر ساختاری): از نظر هلیدی انسجام یک مفهوم معنایی است و به روابط معنایی موجود میان عناصر درون متن گفته می‌شود که آن را، به عنوان متن مشخص می‌کند. انسجام، زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). هلیدی این عوامل را تحت سه عنوان انسجام دستوری (ارجاع، حذف)، انسجام واژگانی (تکرار، باهم‌آیی تضاد) و انسجام پیوندی (منظور از انسجام پیوندی، وجود ارتباط معنایی و منطقی میان جملات یک متن است). (ساعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

#### کتابنامه

#### قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۲. حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۲). زبان و ادبیات فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته. تهران: نشر آگه.
۳. الريحانی، محمد عبدالرحمن. (۱۹۸۸). اتجاهات التحليل الزمني في الدراسات اللغوية. القاهرة: دار قباء للنشر و التوزيع.
۴. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۸۷). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل. تحقیق مصطفی حسین احمد. ط ۳. بیروت: دارالکتاب العربی.
۵. سلوم، تامر. (۱۹۸۳). نظرية اللغة والجمال في النقد العربي. اللاذقية: دار الحوار.
۶. لاینز، جان. (۱۳۷۶). چامسکی، ترجمه احمد سمیعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. مختار، احمد. (۱۹۸۲). علم الدلالة. الكويت: مكتبة دار العروبة.
۸. مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۹۳). به سوی زبان‌شناسی شعر. چاپ بیست و سوم. تهران: آگه.

۹. نحلة، محمود احمد. (۲۰۰۱). *علم اللغة النظامي - مدخل إلى النظرية اللغوية عند هاليداي*. ط ۲. القاهرة: مكتبة الادب.
۱۰. هليدي، مايكل. حسن، رقيه. (۱۳۹۳). *زبان. بافت و متن ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*. مترجم محسن نوبخت. چاپ اول. تهران: سپاه‌رود.
۱۱. راستگو، کبری. (۱۳۹۵). «جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا» *مجله زبان و ادبیات عربی*. سال هشتم. شماره پانزدهم. صص ۸۵-۵۱. DOI:10.22067.jall.v8.i15.53520
۱۲. زینی‌وند، تورج و سمیه صولتی. (۱۳۹۶). «نشانه‌شناسی اجتماعی داستان کوتاه «القمیص المسروق»». *کنفانی با تکیه بر سازه‌های گفتمانی هلیدی*. *مجله زبان و ادبیات عربی*. سال هشتم. شماره شانزدهم. صص ۱۵۹-۱۲۷. DOI:10.22067.jall.v8.i16.60045
۱۳. Thomsone, Geoff, (2014). *Introduction Function Grammar*, Third edition Londone and New York, Routledge.
۱۴. Halliday, M. & C. Matthiessen. (2004). *Introduction to Functional Grammar*, 3rd Edition. Hodder Arnold pub.
۱۵. Halliday, M. A. K. & Hasan, R. (1976). *Cohesion In English*, Longman Group Limited, London.

## References

The Holy Quran.

Al-Rihani, M. A.R. (1988). *Trends in Time Analysis in Linguistic Studies*, Cairo: Dar Quba Publishing House. [In Arabic].

Halliday, M. & R. Hasan. (2013). *language, texture and text dimensions of language from the perspective of social semiotics*, translated by Mohsen Nobakht, Tehran: Siahroud, first edition. [In Persian].

Haq-Shanas, A. M. (2003). *Persian language and literature at the crossroads of tradition and modernity*, Tehran: Ageh Publications. [In Persian].

Lines, J. (1997). *Chomsky*, translated by Ahmad Samii, Tehran: Scientific Cultural Publishing Company. [In Persian].

Mokhtar, A. (1982). *Alam al-Dalalah*, Al Kuwait: Maktaba Dar al-Aruba.

Mohajer, M. & M. Nabavi. (2013). *Towards Linguistics of Poetry*, 23rd edition, Tehran: Ageh Publications. [In Persian].

Nahla, Mahmoud A. (2001). *Systematic Linguistics - An Introduction to Halliday's Linguistic Theory*, 2nd edition, Cairo: Al-Adab School. [In Arabic].

Salam, T. (1983). *The theory of language and beauty in Al-Samaat al-Arabi*, Latakia: Dar al-Hawar. [In Arabic].

Thomsone, G. (2014). *Introduction Function Grammar*, Third edition Londone & New York: Routledge. [In Arabic].

Zamakhshari, M. B. O. (1987). *Al-Kashaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzil and Ayun al-Aghawil in the sources of interpretation*, Moztafi Hossein

Ahmad's research, Volume 3, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].

- Rastgo, K. (2015). Vocabulary replacement in Quranic similes with a stylistic approach, *Arabic language and literature magazine(former magazine of literature and humanities)*,15: 51-85. DOI:10.22067/jall.v8.i15.53520. [In Persian].
- Ziniwand, T. & S. Solati .(2016). Social semiotics of the short story "Al-Qamis al-Masrouq" by Konfani based on Halidi discourse structures, *Journal of Arabic Language and Literature (former Journal of Literature and Humanities)*16: 127-159. DOI:10.22067/jall.v8.i16.60045. [In Persian].

